

آقای هیوم در شخصیت خود شکاک نیست

شماره پرسش: ۲۷۵۶۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۲/۶ ۲۳:۴۱:۱۳

متن پرسش

سلام علیکم: طبق جواب سوال ۲۷۵۰۷ آیا شخصی مانند هیوم و امثال او که دچار شکاکیت هستند و آنها را به ورطه سفسطه کشانده آیا این شکاکیت بیماری نیست؟ اصلا شک دائمی و ماندگار مگر بیماری نیست؟ مخصوصا اگر شک در بدیهیات باشد که قطعاً بیماریست، حال می‌خواهد فیلسوف باشد و یا یک شخص معمولی، بنده در دچار بودن شخص شکاک مخصوصا از نوع فلسفی، آن هم در بدیهیات به نوعی بیماری فکری تردید ندارم، نمی‌دانم جنابعالی چرا با جواب خود به آن پرسش، آن فلسفه شکاک و بیمار غرب را موجه و کارآمد جلوه می‌دهید، در صورتی که با نگاه به فلسفه اسلامی راز پیشرفت و سلامت فلسفه اسلامی پیروی از اصول عقلی و بدیهیات است و بر پایه یقین بنا نهاده شده، مگر می‌شود فلسفه اسلامی سالم و بالغ و یقین با فلسفه بیمار و شکاک ناقص غرب یکی باشد، در صورتی که اجتماع نقیضین محال است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آقای هیوم در شخصیت خود شکاک نیست. او متذکر این امر است که با واقع شدن در حس، جایی جز شک در تفکر نمی‌ماند و مسئله‌ی او بسیار جدی است در آن حدّ که کانت می‌گوید هیوم بود که مرا از جزمیت نجات داد. در جزوات «فلسفه‌ی غرب» که بر روی سایت هست، مختصری از هیوم گفته شده است، با این نگاه که اگر تاریخی، تاریخ مفاهیم شد خواهی نخواهی کار، به حس‌گرایی می‌کشد و امثال کانت هم با همه‌ی تلاشی که کردند نتوانستند از گردونه‌ی دوگانگی بین سوژه و ابژه راحت شوند، که بحث آن مفصل است. موفق باشید